



۲۰۱۹/۰۲/۰۳

انجنیر عبدالصبور صافی

صلح قهقرائی داکتر زلمی خلیلزاد فاجعه ای در حال شکل گیری



در این روزها بازار گفت و گوهای صلح و قطع جنگ همه جا گرم است ولی این صلح چیست که همه تشنه آن اند بعضی ها برای آمدن صلح قیمت لایتنهای تعیین می کنند بعضی ها از آمدن این صلح در هراس اند، بدون شک که صلح یک ضرورت نهایت مبرم و عاجل است ولی گاهی هم برای یک لحظه کوچک اندیشیده ایم که چه نوع صلحی می تواند درد ملت را دوا کند زیرا این صلح، بازی کودکانه نیست این صلح بین دو فرد و دو جوان نیست این صلح بین دو قوم و دو گروه نیست این صلح بین افغان های آزاد و افغان های محکوم است، افغان های آزاد بدین معنی که این طرف همه چیز روشن و آشکار است دولت، قانون و روابط خارجی روشن اگر خارجی ها هم حضور دارند به اساس یک موافقه آمده حتی اگر آنها اشغال بنامیم مگر پنهان نیست، ولی طرف دیگر افغان های محکوم یعنی یک کتله بزرگ افغان ها در گروه یک گروهی متحجر وابسته با استخبارات منطوقی همه چیز آن پت و پنهان که این کتله عظیم افغان ها را در قبضه خود گرفته، باوجودی که از استخبارات منطقه تغذیه می شوند و برای منافع آنها داخل جنگ اند ولی این همه را انکار می کنند، حرف از خدا و رسول می زنند ولی انفجار در مسجد و اماکن مقدس انجام می دهند، ناگفته نماند که همین گروه (طالبان) بود که امریکا را آورد و در افغانستان مستقر ساخت به خاطر اسامه، پس صلح حال یک معنی و مفهوم دیگر بخود میگیرد اگر از معنی لغوی صلح که همانا آشتی و سازش است بگذریم صلح منحیث آرمان ملی خواست هر انسان در سطح ملی و بین المللی است و منافع هرکس در صلح نهفته است البته که هستند بعض افراد و قدرت های جنگ افروز که، جنگ را برای حفظ منافع شان ترجیح می دهند.

هر آنکسی که فکر می کند قطع جنگ، صلح است و برای آن هر قیمتی را می پردازند جداً اشتباه می کند، بدون شک که قطع جنگ می تواند پیش زمینه ای برای صلح واقعی باشد ولی هرگز صلح پایدار و واقعی شده نمی تواند، صلح باید بر علاوه قطع جنگ شرایط و آرامش فکری، ذهنی، سیاسی و فرهنگی یا به عباره دیگر رفاه اجتماعی، توسعه اجتماعی، روابط گسترده با جهان و همگام شدن با پیشرفت های جهانی را فراهم سازد، صلح معنی و مفهوم مطلق نیست، میتواند نظر به شرایط و خواست منافع نظامی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی تعریف مشخص و متفاوت پیدا کند، ما نمی توانیم صلح که در یک زندان مستولی است را صلح بنامیم و افتخار کنیم که صلح آفرینی کردیم، افغانستان در این هجده سال دستاوردها و ارزش هایی را بدست آورده است، قوای مسلح را به پا ایستاد کرده و این قوای مسلح

هزاران سرباز قربانی داده است این همه قربانی بخاطر حفظ ارزشهای انسانی و دموکراسی و ایجاد یک جامعه مرفع و متمدن بوده چطور میتوانیم این همه را یکباره بخاطر منافع دیگران زیر پا کنیم و همه چیز را از سر بنیان نهیم! صلح کوشی صلح آفرینی، صلح ماندگار و صلح تحقیقی اصطلاحات سیاسی اند که هر یک در جای خود دارای ارزش های خود است.

فیلسوف نامدار آلمانی «امانوئل کانت» (Emmanuel Kant) در سال ۱۷۹۵ میلادی کتابی با عنوان «صلح ماندگار» نوشت و برای صلح ماندگار شش اصل را پیش کرد که مورد پسند مردم قرار گرفت.

- ۱- برقراری صلح، هرگاه با یک شرط مخفی برای جنگ در آینده باشد، معتبر نخواهد بود.
- ۲- هیچ کشوری مستقل موجود نباید از راه وراثت مبادله، خرید و فروش و ... تحت مالکیت کشور دیگری در آید.
- ۳- اردوهای ثابت به تدریج باید برچیده شوند.
- ۴- هیچ کشوری نباید خود را به واسطه امور برون مرزی همچون جنگ مقروض کند.
- ۵- هیچ کشوری حق ندارد با تمسک به زور در تشکیل یا اداره کشوری دخالت کند.
- ۶- هیچ دولتی نباید به هنگام جنگ با کشور دیگر به خود اجازه تمسک به آن قبیل اقدامات خصمانه ای را دهد که اعتماد دو طرفه میان طرف های درگیر را برای صلح آینده ناممکن می سازد.

افغانها صلح پایدار میخواهند این صلح میکانیزم و ارزشهایی دارد که باید در نظر گرفته شود، آقای زلمی خلیل زاد منیچیت یک امریکائی افغان الاصل نباید کاری کند که افغانستان را در زندان [کوری طالبانی] به نام [صلح آفرینی] رها کند و نزد مقامات امریکائی کردت [صلح آفرین] را بگیرد در حالیکه انسانیت را در افغانستان به قتلگاه بفرستد و شرایطی را ایجاد کند که باز افغان ها به خاطر آزادی و دموکراسی قد الم کنند و دست به سلاح ببرند، مصاحبه داکتر زلمی خلیل زاد با تلویزیون یک، کاملاً روشن است که با طالبان موافقه شده تا کلید قدرت برای آنها سپرده شود، وقتی داکتر خلیل زاد از قول طالب ها میگوید که دیگر طالبان هرگز آن طالبان گذشته نیستند و گذشته را ناکام می دانند کنایتاً داکتر غنی را به ندادن قربانی در راهی صلح متهم میکند و تلاش دارد تا دولت انعطاف و خودگذری کند معلوم است که در مورد انتقال قدرت بحث ها و خامه موافقه ها ریخته شده است.

- آقای خلیل زاد میگوید که مذاکرات در قطر بسیار خوب به پیش رفت!
- آیا ۶ روز مذاکرات پشت درهای بسته روی جدول خروج امریکا می چرخید؟
- سؤال اینست ۱۴۰ هزار سرباز امریکایی که در زمان آقای اوباما افغانستان را ترک کردند بالای کدام جدول با طالبان بحث کرده بودند که اکنون شش روز بحث می کنند؟
- قضایا را نباید سطحی گرفت در این شش روز مذاکرات موضوعات بالای طالبان قبولانده شده باشد که منافع امریکا را در منطقه گسترش و تضمین کنند و در برابر آن امریکا تخت و تاج افغانستان را به طالبان تحویل خواهد داد، ممکن احتمالاً میکانیزم تحویل دهی قدرت به طالبان مورد بحث و مخفی نگهداری می گردد چون اگر میکانیزم افشاء شود باز دولت که توسط طالبان تشکیل خواهد شد یک دولت دست نشانده از طرف امریکا خواهد بود!

● چیزی که بسیار توجه را جلب می کند همانا پنهان کردن محتوای مذاکرات است پس مذاکراتی که از ملت در خفا انجام میشود بدون چون چرا به نفع ملت نمی تواند باشد، چنانچه کراکر، سفیر پیشین امریکا در افغانستان، گفتگوهای اخیر امریکا و طالبان را با گفت و گوهای سال ۱۹۷۳ میلادی میان واشنگتن و ویتنام شباهت می دهد و می گوید ما فقط روی شرایط تسلیمی مان بحث کرده ایم. آقای کراکر در یک سرمقاله برای روزنامه امریکایی واشنگتن پوست، که روز سه شنبه ۳۰ جنوری ۲۰۱۹ به نشر رسید، نوشته است که «توافق روی چارچوب صلح میان دو طرف (امریکا و طالبان) در نبود حکومت افغانستان و به خواست طالبان انجام شد و این به این معنا است که ما خود حکومتی را که ادعای پشتیبانی آن را داریم مشروعیت ندادیم. توافقنامه چارچوب صلح که روز دوشنبه اعلام شد خواهان آتش بسی است که می تواند منجر به خروج کامل نیروهای امریکایی از افغانستان شود به شرط آن که طالبان تعهد کنند که برای سازمان های هراس افگنی که امنیت امریکا را تهدید می کنند پناهگاه نمی دهند و یا به گفته آقای کراکر طالبان تعهد کرده اند که رویداد یازدهم سپتامبر دوباره تکرار نمی شود.»

● فرض کنیم اگر قدرت بدست گروه طالب بیافتد آیا چه کسی می تواند تضمین کند که مردم شرایط آرام فکری، روحی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بدست می آورند و ملک به طرف ملوک الطوائفی نمی رود؟؟

● آیا کسی می تواند تضمین کند که مردم اختیار ریش خود را داشته باشند؟

● آیا کسی می تواند تضمین کند که آزادی های فردی زیر تازیانه افراد جاهل و بیخرد مانند سال ها قبل قرار نمی گیرد؟

● آیا چه کسی می تواند تضمین کند که مردم به خاطر آزادی های فردی و اجتماعی خود دوباره دست به قیام های بعد از این صلح نمی زنند؟؟؟

● آیا کسی می تواند تضمین کند که طالبان آن گروه متحجر گذشته نیستند در حالیکه تا کنون نه خط مشی طالبان و نه پلان صلح شان روشن و آشکار است؟

● بعضی از سیاسیون که پشت میزهای مدور تلویزیون ها قرار می گیرند و گلوپاره می کنند که اشرف غنی باید قربانی دهد و از مقام دست بردارد این افراد همان مفسدین و یا وابسته گان شان ان دکه امتحان خود را در گذشته داده اند و اکنون که از قدرت کنار زده شده اند می خواهند باز راهی گنجشک برای رسیدن به قدرت برای خود پیدا کنند بایدگفت که سخت اشتباه می کنند!

● من به این سیاسیون میگویم که لطفاً یکبار آنچه که طالبان در ساحات تسلط خویش انجام داده اند را دقیق بیطرفانه و عادلانه مطالعه کنید!

● شرایط زندگی مردم سطح رفاء توسعه اجتماعی خدمات صیجی مهمتر از همه معارف در ساحه تسلط طالبان درچه حال است!؟

از همه اولتر قوم پشتون را تماشا کنید که به خاک سیاه نشانده شده در مناطق پشتون نشین نه کتاب است و نه قلم، نه درس و نه مکتب همه اولاد پشتون ها بی سواد و جاهل بار آمده اند، یک نسل درحالت انقراض علم و دانش قرار دارد، و این عمل صرف منافع پاکستان را تأمین میکند که از زمان خروج انگلیس ها از هند برتانوی در ساحه پشتون نشین آنطرف خط اساس گذاشته شد، آنها می گویند ما به گذشته نمی رویم و تجربه ناکام گذشته را تکرار نمی کنیم ولی عملاً مابیل وایفون افراد را زیرسنگ میکنند اطفال و جوانانیکه را درمیدان فوتبال یا به رکبامی بندند ویا انتحاری میکنند مکتب هارحریق میکنند زنان را اجازه دوا وداکترومعالجه نمیدهند از مکاتب مضامین ساینسی را حذف میکنند درمساجد انتحارو یا ترورمیکند آیا دین همین را گفته است؟

آیا فقط عالمان دین صرف طالبان اند و دیگران خراکر؟ واقعاً مضحک نیست!؟

بنأ از گفته های بی مسؤلیت باید پرهیز کرد باقضایا برخوردار عینی داشت نه عاطفی، تعصبی و سیاسی! جادارد این بحث را به این گفته داکتر غنی پایان دهم که میگوید:

«مذاکرات ما با طالبان بدون قید و شرط است، اما صلح ما شرایط دارد. صلح آمدنی است و در اراده ما باید شک وجود نداشته باشد».

حکومت موقت و عواقب آن:

اگر از حرفهای اضافی بگذریم اولین حکومت موقت به ریاست صبغت الله مجدد در سالهای تبعید در پاکستان شکل گرفت که بعد در سال ۱۳۷۱ بتاریخ ۸ ثور بکابل انتقال یافت عمر این حکومت دوماه بود در طول این دوماه حضرت مجددی فقط رتب جنرالی، قباله و زمین برای شهرکها توزیع کرد پس، بعد اداره حکومت موقت به برهان الدین ربانی تعلق گرفت، می بایست ربانی برای ۴ ماه در قدرت میبود ولی وی در ظرف این چارماه شورای اهل حل و عقد خود خوانده را تشکیل کرد و به اریکه قدرت تکیه زد فیصله شورای اهل حل عقد سبب شد که جنگهای تنظیمی در شهر کابل براه انداخته شود که ۵۰۰ هزار کابلی را کشته، آواره و در بر ساخت تا در سال ۱۳۹۶ توسط طالبان به فرار مجبور و با چوکی ریاست جمهوری به تخار انتقال یافت، بعد بر اساس موافقتنامه که در سال ۱۳۸۰ درین به امضا رسید، باز اداره موقت افغانستان به ریاست حامد کرزی تصویب و در اول جدی ۱۳۸۰ رسماً قدرت را از برهان الدین ربانی که دولت بدون پایتخت مشخص داشت تحویل گرفت، مدت کار آقای کرزی در این مقام شش ماه تعیین شده بود (لویه جرگه) جوزای ۱۳۸۱ او را برای دو سال دیگر در مقام ریاست دولت انتقالی ابقا کرد، بعداً آقای کرزی در سال ۱۳۸۳ در انتخابات اشتراک نمود و برای دو دور متواتر رئیس جمهوری منتخب مردم افغانستان بود، آقای کرزی در طول زمامداری موقت و منتخب خود فقط سفرهای به کشورهای خارج کرد و خوش گزارانی نمود از کمک های خداداد غرب هیچگونه استفاده موثر نکرد نه سازماندهی امور دولتی موجود بود و نه مدیریتی فقط خورد خورد فساد مافیا رشد داده شد، سیاست های وی باعث شد که نفاق سیاسی اجتماعی لسانی و مذهبی تشدید گردد و کمکهای باد آورده به هدر برود و وطن در چنان فلاکت فرورود که تا اکنون ملت رنج این سیاست های نابکار را تحمل میکند، کرزی یگانه کار خوب که کرد انتقال قدرت به صورت مسالمت آمیز به داکتر اشرف غنی رئیس جمهوری منتخب که با ۸ میلیون آرای مردم برگزیده شد، بود.

داکتر اشرف غنی تا اکنون توانست امور اداری را اصلاح کند دست مافیا اقتصادی را تا اندازی زیاد کوتاه و پروژه های خوب عمرانی و اقتصادی را روی کار کند، وی افغانستان را نسبتاً به پای خود استاد کرد و از احتیاج پاکستان بیرون کشید پروژه های خورد و بزرگ اعمار شد خطوط ریل آمد و افغانستان از راهی لاجورد به اروپا و پلهای هوایی به کشورهای منطقه وصل شد صادرات کشور رشد کرد به امور زنان و جوانان رسیدگی صورت گرفت و اداره دولت را از مفسدین تا اندازی زیاد پاک کاری و امور به جوانان سپرده شد.

داکتر اشرف غنی مقامات امریکائی را آماده ساخت تا طالبان را برای مذاکره با دولت افغانستان بنشانند تلاش های داکتر غنی سبب شد تا امریکا نماینده خاص خود داکتر زلمی خلیلزاد را برای گفتگو با طالبان تعیین کند امیدواریم داکتر خلیلزاد این وظیفه را با کمال ایمانداری و آرزوهای ملت رنجکشیده افغان آنطور که شاید و باید است موفقانه

انجام دهد تا نام نیک از خود بگذارد نه مانند بن اول که فاجعه آفرید ورنه امروز ما یک دولت ناکام نمی‌داشتیم
و صلح از همان روز اول سقوط طالبان تأمین می‌بود!

بعضی‌ها حرف وحدیت از ایجاد حکومت موقت بمیان می‌آورند گرچه زلمی خلیلزاد این موضوع را ظاهراً رد کرده
ولی چنان معلوم می‌شود که یکسلسله زد و بندهای بخاطر بیرون شدن امریکاییان از افغانستان با طالبان صورت گرفته
است، تا امریکا به اصطلاح افغانی برای خود یک بینی خمیری بسازد به هر صورت امریکا در کوتاه مدت خواهد
توانست یک بینی خمیری داشته باشد ولی بسیار زود چلو صاف آن از آب بیرون می‌آید زمانیکه افغانستان در یک باطلاق
دیگر فرو برود آنچه که بعد از سقوط داکتر نجیب‌الله واقع شد امروز تکرار آن متصور است.

بزرگترین اشتباه امریکا در مذاکرات صلح قطر:

● ۱- بجای گفتگوهای صلح، داکتر خلیلزاد حرف بیرون رفت قوای نظامی امریکا را با طالبان مطرح کرد،
همزمان با این گفتگوها آقای پمپو وزیر خارجه امریکا گفت که «امریکا در خروج قوای خود از افغانستان جدی است».

● ۲- اگر واقعاً امریکامیخواست که در افغانستان صلح پایدار بیاید باید به صورت قطع مسئله خروج قطعات خود
را علنی مطرح نمی‌کرد امریکا با وجود مخالفت‌ها با پاکستان باز هم به نفع و به خواست پاکستان عمل کرد و کلید قدرت
دولتی را روی میز طالبان گذاشت.

این مسایل سبب شد که طالبان جان تازه بگیرند و خواست‌های جدید به شمول کنار زدن داکتر غنی و ایجاد حکومت
موقت که رئیس آن به خواست طالبان تعیین خواهد شد را مطرح کنند، البته به احتمال زیاد امریکا از قبل در این خصوص
سرمایه‌گذاری کرده و مهره را از قبل آماده نموده است که از زکرنام آن در این شرایط حساس معذرت می‌خواهم، به
هر صورت ایجاد حکومت موقت برای افغانستان فاجعه آفرین است و بس، مگر اینکه این میکانیزم بایک قوت و حمایت
بیدریغ قدرتها تا پایان کار حمایت گردد و بشکل متفاوت انجام شود، مگر این یک خواب است و محال، هر که پیشنهاد
حکومت موقت را داده و یا می‌دهد در حق مردم افغانستان جفا بزرگ را انجام می‌دهد زیرا:

● ۱- تشکیل حکومت موقت خود زمان گیر و با جارو جنجال‌های همراه است که تمام گروه‌های مافیایی که توسط
داکتر غنی از قدرت عزل شده اند باز جان تازه می‌گیرند و خود را در حکومت موقت شریک می‌سازند قدرت‌گیری این
گروه‌ها به حکومت که در آینده به صورت منتخب شکل می‌گیرد بزرگترین درد سر ایجاد میکند حتی برای طالبان
چنانچه برای داکتر غنی ایجاد کردند!

● ۲- آیا میتوان حکومت موقتی را اساس گذاشت که در آن نه طالب باشد و نه تنظیم‌های جهادی و نه عزل شده
گان دستگاه فاسد زمان‌کرزی؟ نه هرگز نه!

● ۳- آیا حکومت موقت توان خلع سلاح این تنظیم‌های جهادی و طالبان را دارد، و یا اینکه طالبان حاضر اند سلاح
خود را تسلیم حکومت موقت بدهند کاریکه امریکا با ۲۴۰ هزار سرباز خود در مدت ۱۸ سال در افغانستان یا نتوانست
و یا نکرد؟ نه هرگز نه!

● ۴- آیا کسی میتواند تضمین کند که حکومت موقت تمام وزرا و ریاست ها محاکم و قضا را بخواست خود از افراد بیطرف شایسته و اهل کار تعیین کند که نه به طالب و نه تنظیم ها تعلق داشته باشند تا موردولتی را بصورت شفاف به پیش ببرند؟ هرگزنی!

● ۵- آیا حکومت موقت توان ایجاد یک کمیسیون مستقل برگذاری انتخابات ریاست جمهوری را دارد که همه طرف های درگیر به صورت اخص طالبان آنرا قبول کند؟ هرگزنی!

● ۶- آیا حکومت موقت توان تشکیل یک لویه جرگه بیطرف به خاطر تعدیل قانون اساسی کشور بدون حضور سران این تنظیم ها و گروه های مافیایی را خواهد داشت؟ هرگزنی!

پس اگر چنین کار صورت گرفته نمی تواند و تشکیل حکومت موقت باز متشکل از طالبان و گروه ها و تنظیم های جهادی همان معجون بن اول باشد این ملت هرگز انتخابات آزاد و شفاف نخواهد داشت هرگز روزخوش نخواهد دید باز جنگ قدرت و کرسی و مقام خواهد بود همان آش و همان کاسه، دموکراسی که از اولین روز کنار رفتن دولت فعلی به ملت الودا میگوید، بناً صلح اگر از یکطرف خود گذری و ایسار میخواید از طرف دیگر تدبیر و عقلانیت نیز ضرور است این ایسار و خودگذری باید دوطرفه باشد نه یکطرفه، ما تا رسیدن به یک صلح پایدار و ماندگار به زمان زیاد، تفاهم، اتفاق و خرد نیاز مبرم داریم، به نظر من بهترین راه، اجتناب از تکرار تجارب ناکام گذشته دوران هرگونه تعصب در این شرایط حساس کشور همانا حمایت بیدریغ از داکتر اشرف غنی است هرچه باشد داکتر غنی دست پاک و گراف کارکرد بالا در این چار سال دارد بگذارید تا بتواند پلان صلح خویش را با تدبیر عملی کند.

پایان

